ZENDEGI - SALAM
ضمیمه روزانه روزنامه خراسان
پنج شنبه • ۸ مهر ۱۳۹۵
۲۷ ذی الحجه ۱۴۳۷ • ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۶
۵۸۸

شیوه های حمایت از کهنه سربازها در دنیا

میترا تاتاری/ «مو اصلا توقعی نداشتم...سر زمین بودُم با تراکتور.... جنگ هم که تموم شد، برگشتُم سر همو زمین، بی تراکتور! مو حتی دفترچه بیمه هم نگرفتم. حالا برا موزوره که همچی تهمتی به مو بزنن.... خواهر با شمام، شما سهمتون رو دادین. سهمتون همین نیش‌هایی بود که زدین... دست شما درد نکنه..!» این دیالوگ شاید ماندگارترین دیالوگ فیلم سینمایی خاطره انگیز «آژانس شیشه ای» باشد. آنجا که عباس، جانباز شیمیایی در مقابل حرف های زنی که به او می گوید غنایم زیادی از جنگ برده اند، طاقت نمی آورد و لب به اعتراض می گشاید. هر چند این فقط یک دیالوگ است اما حرف هایی از این قبیل در واقعیت و در جامعه ما هم احتمالا تا حالا دل تعداد زیادی از خانواده های جانبازان و شهدا را شکسته باشد. رسم تکریم و تقدیر از سربازانی که برای کشور و خاکشان جنگیده اند در تمام دنیا رایج است. هر چند فلسفه دفاع مقدس ما با بیشتر جنگ های دنیا متفاوت بوده و هست و در اصل مقایسه آدم هایی که درگیر دفاع مقدس بودند با سربازان دیگر جنگ ها مبنای درستی ندارد، چون رزمندگان ایرانی هیچ وقت به حضور در جبهه ها به چشم شغل نگاه نمی کردند بلکه شرکت در جنگ را وظیفه می دانستند؛ اما شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید آیین تقدیر و قوانین حمایتی از بازماندگان و سربازان جنگی در سایر کشورهای دنیا چگونه است؟ حمایت هایی که هیچ گاه جایگزین پدر نمی شود یا معلولیت بازماندگان جنگ را جبران نمی کند اما دلجویی کوچکی است از مردان و زنانی که برای کشورشان جنگیده اند. امروز می خواهیم شما را با قوانین حمایتی دیگر کشورها در قبال کشته شدگان و سربازان جنگی آشنا کنیم. با ما همراه باشید...

بازماندگان جنگ در کشورهای دیگر چه امکاناتی دارند؟

جنگ تلخ است اما دفاع با ارزش است، جنگ برای ما منطق خاص و بی نظیری دارد که در دنیا مشابهش پیدا نمی شود، برای ما در کنار دفاع از خاک، دفاع از ارزش ها و اعتقادات هم مطرح است برای همین نگاه رزمندگان ما هم به جنگ فرق می کند و با این اوصاف است که جنگ می تواند منشاء برکات معنوی باشد و باعث رشد انسان ها شود. در حافظه تاریخی بسیاری از کشورها، خاطره جنگ با همه ابعاد ناراحت کننده و دلخراشش، حداقل یک بار ثبت شده است و جنگ آوران ارزش و منزلت ویژه ای در بین مردم پیدا می کنند، هر چند همه کهنه سربازها و بازماندگان جنگ ها در راستای دفاع از کشورشان در جنگ ها حاضر نشدند؛ اما کشورهای مختلف حتی وقتی جنگشان دفاع نبوده و هدف درستی هم نداشتند، سعی کردند از بازماندگانشان قهرمان بسازند. اینجاست که حتی خاطرات جنگ، عکس های کشته شدگان، ابزار و ادوات جنگی هم قابل احترام می شود و برای حفظ و به نمایش گذاشتنش، فیلم ها و موزه ها ساخته و قطعات موسیقی نواخته و کتاب ها نوشته می شود. از آن جا که آثار جنگ، تاثیر جبران ناپذیری بر زندگی بسیاری از مردم دارد و بسیاری را بی خانمان و حتی بی سرپرست می کند، همه دولت ها در دنیا قوانینی را برای جبران بخشی از این خسارات اتخاذ می کنند. قوانینی که تا بعد از پایان جنگ نیز پابرجا و حامی آسیب دیدگان است. اما سایر کشورهای دنیا برای التیام اندکی از درد بازماندگان جنگشان چه کارهایی می کنند؟ در خور ذکر است که در این مطلب اهداف کشورها از جنگ مدنظر قرار نگرفته است.

■ آلمان

آلمان کشوری که خودش پایه اصلی جنگ جهانی دوم است، بازماندگان جنگی بسیاری دارد. با اینکه این کشور متحمل صدمات بسیاری در جنگ از قبیل تبدیل شدن به دو قطب آلمان شرقی و غربی شد، اما تا مدت ها پس از جنگ جهانی دوم اجازه تاسیس ارتش مستقل را نداشت. از آنجا که کهنه سربازان و معلولان جنگی آلمانی علاوه بر نقص عضو، از مشکلات روحی و آسیب های روانی بسیار رنج می بردند، دولت آلمان شرایطی را اتخاذ کرد تا فرزندان آن ها، به دور از خانواده و با شرایط بسیار عالی تحصیل و زندگی کنند. مراکزی که برای فرزندان بازماندگان جنگی ساخته شده بود، مجهز به بهترین امکانات رفاهی بود به حدی که مادران بیوه، فرزندانشان را با کمال میل به این مراکز می سپردند. همسر و فرزندان تمامی کشته شدگان جنگی در این کشور، معاف از هزینه های درمانی هستند و برای تردد معلولان جنگی در شهر هم تدابیر ویژه ای اتخاذ شده است.

■ آمریکا

به جرات می توان گفت، کشور آمریکا بیش از هر کشوری درگیر جنگ با کشورهای مختلف شده که بیشتر آن ها در خارج از خاک و مرزهای این کشور و برای برتری جویی و حفظ منافعش صورت گرفته است. هر چند جنگ های داخلی بسیاری هم در این کشور پهناور رخ داده که تلفات و آسیب های زیادی به همراه داشته است. برای همین تعجبی هم ندارد که بیش از ۶۰ اداره در این کشور، مشغول رسیدگی به معلولان جنگی باشد. هر فردی با هر ملیتی، اگر در نیروی ارتش آمریکا باشد و در جنگ های این کشور شرکت کند و دچار نقص عضو شود، تحت حمایت سازمان سربازان کهنسال قرار می گیرد و از بیمه درمانی بهره مند می شود. کلیه وابستگان درجه یک سربازان کشته شده در جنگ های آمریکا از قبیل همسر، فرزندان ووالدین آنها تا ۲۳ سال تحت پوشش این دولت قرار می گیرند. به معلولانی که برای رانندگی به ماشین خاص نیاز دارند، تا ۸ هزار دلار کمک برای خرید ماشین در نظر گرفته می شود. خانه هایی متناسب با شرایط معلولان جنگی و هزینه پوشاک سالیانه برای آن ها و فرزندانشان تامین می شود. حقوق و مزایای آن ها در طول زمان نه تنها کم نمی شود بلکه هر سال درصد قابل توجهی به آن اضافه می شود.

■ اتریش

تعداد آسیب دیدگان جنگ جهانی دوم در کشور اتریش به هشتاد هزار نفر می رسد. معلولان جنگی این کشور می توانند از بیمه اجتماعی، کمک هزینه پرستاری، خدمات اجتماعی و غرامت اجتماعی برخوردار شوند. بازماندگان این کهنه سربازان جنگی و معلولان هم با شرایط بسیار خاصی می توانند بعد از فوت پدرشان از دولت مستمری بگیرند.

■ روسیه

روسیه از آن کشورهایی است که احترام ویژه ای برای بازماندگان جنگی قائل است و تسهیلات زیادی را در اختیار آن ها قرار می دهد. هر چند آمار دقیقی از میزان بازماندگان جنگی که تحت حمایت دولت هستند، در دست نیست، اما با توجه به درصد بالای اشتراک این کشور در جنگ های جهانی، احتمالا تعداد کهنه سربازان و معلولان جنگی، رقم قابل توجهی باشد. با این حال، طبق قوانین این کشور همه بازماندگان جنگی، از حقوق مستمری و بازنشستگی برخوردارند. همچنین به آن ها به صورت رایگان، زمین برای زندگی و دامداری تعلق می گیرد. همه معلولان جنگی از امکان تحصیل رایگان و بدون آزمون ورودی در دانشگاه ها برخوردارند. در ضمن کمک هزینه تحصیلی و دوره کارورزی رایگان هم برایشان مهیاست. ۵۰ درصد از هزینه های ماهانه آن ها از قبیل آب، گاز، برق، تلفن و... توسط دولت پرداخت می شود. اگر شاغل باشند می توانند در فصل مورد علاقه شان و بدون هیچ مانعی به مرخصی بروند. رفت وآمد آنها در شهر و با وسایل نقلیه شهری (به غیر از تاکسی) رایگان است. به معلولانی که بینایی شان را از دست داده اند یا دست و پایشان قطع شده است، خودرو واگذار می شود (افراد می‌توانند حق رانندگی را به اعضای خانواده شان واگذار کنند) در صورت فوت معلولی که خودروی مجانی دریافت کرده، دولت مجاز است آن را به معلول دیگری واگذار کند.

■ ژاپن

ژاپن کشوری است که همه پیشرفت های علمی و صنعتی امروزش را روی ویرانه های جنگ بنا نهاده است. هر چند بمباران وحشتناک شهر هیروشیمای ژاپن در تاریخ نظیر و مانند ندارد اما این کشور با ترویج فرهنگ سختکوشی و برنامه ریزی اصولی توانست قدرتمند تر از قبل ظاهر شود. ژاپنی ها احترام بسیاری برای کشته شدگان و بازماندگان جنگ قائلند و بسیار آن ها را تکریم می کنند. اداره ۱۱۹ ساله مخصوص رسیدگی به این بازمانده ها هم تسهیلاتی از قبیل حقوق، مستمری دوران بازنشستگی، بیمه خدمات درمانی، مرخصی های بلند مدت و... را به سربازان قدیمی جنگی اش ارائه می کند.

■ کویت

تجاوز عراق به خاک کویت برای این کشور آنقدر غافلگیرانه بود که مجبور شد برای دفاع از خودش، از سربازان کشورهای دیگر هم کمک بگیرد. اما دولت کویت از جمله دولت هایی است که شرایط زیاد و خاصی را برای بازماندگان جنگش در نظر می گیرد. این کشور به تمامی سربازانی که برای کویت جنگیدند به همراه همسر و فرزندانشان، تابعیت کویتی می دهد. بازماندگان جنگی در این کشور از تسهیلاتی همچون مسکن و خدمات درمانی رایگان، کمک های مالی بلاعوض و بخشودگی کلیه بدهی هایشان به دولت، استفاده می کنند.

■ ترکمنستان

دولت و مردم ترکمنستان احترام خاصی برای کشته شدگان و بازماندگان جنگی این کشور در جنگ جهانی دوم قائلند. حدود ۷۰۰ هزار نفر از مردم ترکمنستان در جنگ جهانی شرکت داشتند. درباره تعداد کشته شدگان ترکمن در این جنگ آمارهای متفاوتی از ۲۵۰ هزار تا ۴۰۰ هزار نفر ذکر می‌شود. دولت این کشور در سال ۲۰۰۰، تمامی کشته‌شدگان این جنگ و بازماندگان آن را قهرمان ملی ترکمنستان اعلام کرد. هر سال در دومین ماه بهار، مردم این کشور برای یادبود درگذشتگان جنگ جهانی دوم گرد هم می آیند و باز ماندگان کهنسال جنگ نابرابر در مقابل آلمان نازی را تکریم می کنند. پیرمرد و پیرزنان کهنسالی که در این جنگ ها حضور داشته اند هم با لباس های نظامی و مدال های افتخارشان در این جشن حاضر می شوند و از سوی مردم و نظامیان دیگر، تجلیل می شوند. دولت علاوه بر برگزاری این جشن ها، امکان استفاده از بیمه خدمات درمانی و حقوق و مستمری بازنشستگی را برای این افراد مهیا کرده است.

منابع این پرونده: ۱- کتاب «بررسی چگونگی تکریم از رزمندگان و ایثارگران جنگ در سایر ملل»
۲- پایان نامه خانم تهمینه شاوردی ۳- روزنامه جمهوری اسلامی ۸۳/۹/۲۵

اهداف جنگ چقدر در روحیه سربازان تأثیر دارد؟

جنگ مفهوم نفرت انگیزی دارد. دو کشور وقتی نمی توانند از در صلح با هم کنار بیایند تصمیم می گیرند بجنگند و این یعنی آغاز مصیبت بار ترین اتفاق تاریخی برای ملتشان. با این حال اگر پای دفاع از خاک و باورها در میان باشد، همه چیز مقدس می شود. هدف یک کشور از جنگ در روحیه سربازان و جنگ آورانش تاثیر زیادی دارد، نه فقط در زمان جنگ، بلکه این هدف در روحیه این افراد سال ها پس از جنگ هم اثرگذار است. وقتی کشوری جنگ افروزی می کند و برای دریافت منافع بیشتر، به خاک ملت دیگری دست درازی می کند، داستان خیلی متفاوت تر از وقتی است که مردم یک سرزمین شجاعانه در مقابل متجاوزان به حریم خانه شان ایستادگی می کنند و می جنگند. مدافعان خاک و ناموس و باورها در هر کشوری برای ملت شان عزیز هستند اما فکرش را بکنید وقتی سربازان یک کشور برای جنگ افروزی هزاران کیلومتر از مرزهای سرزمینشان دور می شوند و در کشوری که تا دیروز شاید اسمش را هم نشنیده بودند برای نفت و ... می جنگند چطور می توانند خودشان را توجیه کنند؟ چطور می توانند به خود بقبولانند که این مردم بی پناهی که هیچ سلاح دفاعی هم ندارند، محکوم به مرگ و آواره شدن و تحمل مرگ عزیزانشان باشند. اینجاست که ناتوانی در توجیه جنایت های جنگی شان و ناتوانی در نشان دادن احساسات و مجاز نبودن به همدردی با قربانیان، موجب افسردگی سربازان و حتی خودکشی آن ها می شود. آمریکا کشوری است که طی جنگ های نابرابرش با ویتنام، افغانستان و عراق بالاترین میزان افسردگی و خودکشی را در بین سربازانش داشته است. بر اساس آمار خبرگزاری آسوشیتدپرس در زمان جنگ افغانستان، ۶۵ درصد از سربازانی که برای بار سوم یا چهارم به این کشور اعزام شده بودند، افسردگی شدید داشتند که حال ۹ درصد از آن ها بسیار وخیم گزارش شده بود. هر چند آمریکا در آن زمان برای کمک به این سربازان افسرده، تعداد زیادی روانشناس را راهی مناطق جنگی کرد اما حال آن ها تغییر زیادی نکرد و دوباره در جنگ عراق همین اتفاق در ابعاد وسیع تری برای سربازان افتاد. به ویژه اینکه بسیاری از مردم این کشور هم مخالف سر سخت جنگ با عراق بودند و سربازان آمریکایی اعزام شده به عراق را نه تنها تکریم نمی کردند که به چشم قاتل به آن ها نگاه می کردند. خبرگزاری آسوشیتدپرس، در سال ۲۰۱۲ آمار تکان دهنده تری را از میزان خودکشی در بین سربازان آمریکایی گزارش کرد. طبق این آمار، تعداد سربازان فعال ارتش آمریکا که در این سال دست به خودکشی زدند، ۳۴۹ تن گزارش شد که این تعداد بسیار بیشتر از تعداد سربازان آمریکایی کشته شده در جنگ افغانستان بوده است. وقتی سربازی به اهداف سیاستمداران کشورش از جنگ باور نداشته باشد چه فایده دارد که پس از جنگ چه قدر از او تقدیر مادی به عمل آید در حالی که از طرف جامعه جهانی و حتی مردم کشورش یک متجاوز محسوب می شود.

همسن پرونده

به خواست مالک و صاحب امتیاز شخصیت جناب‌خان خندوانه بدون جناب‌خان!

بای بای جناب خاااان

یک لحظه تصور کنید: خندوانه، بدونِ جناب‌خان! جناب‌خان، شخصیت جذابی که در فصل دوم و سوم خندوانه، حضور فعالی داشت و در واقع به یکی از اصلی‌ترین عوامل جذابیت این مجموعه تبدیل شد و بودنش برای مخاطب اهمیت زیادی داشت و نبودنش هم به کار لطمه می‌زند، احتمالا از خندوانه خداحافظی می‌کند و به سینما می‌رود. این روزها و با نزدیک شدن به پایان فصل سه مجموعه خندوانه، سعید سالارزهی که خود را مالک و صاحب امتیاز شخصیت جناب‌خان می‌داند [چون کارگردان سریال «کوچه مروارید» بوده] از احتمال حذف این شخصیت در فصل چهارم و تصمیم قطعی برای ساخت فیلم سینمایی آن با حضور رامبد جوان خبر داده است. حتما می دانید قصه جناب‌خان که یک لبوفروشِ شوخ و حاضرجواب با لهجه جنوبی است و عاشقِ دختری به نام احلام است، از «کوچه‌مروارید» شروع شد. مجموعه‌ای عروسکی با حضور رامبد جوان که بین ساخت فصل اول و دوم خندوانه، در شبکه نمایش خانگی تولید و توزیع شد و آن طور که باید، مورد توجه قرار نگرفت. در این مجموعه، عروسک‌های زیادی نقش‌آفرینی می‌کردند اما جناب‌خان به لحاظ جذابیت و پرداخت، جایگاه ویژه‌ای داشت که به دلیل دیده نشدنِ کار، کسی او را نشناخت. زمان شروع فصل دوم خندوانه، رامبد جوان برای اینکه تغییراتی در ساختار برنامه ایجاد کند، جناب‌خان را به گروه اضافه کرد. اما این‌طور به نظر می‌رسید که این حضور، غیر از جذابیت بخشیدن به برنامه، دلیل دیگری هم دارد و احتمال دارد جناب‌خان در خندوانه محبوب شود و این محبوبیت روی فروش مجموعه کوچه‌مروارید اثر بگذارد. اما آنچه از ظواهر امر و اظهارات سازندگان این کاراکتر و مجموعه برمی‌آید، کوچه‌مروارید کماکان فروش چندانی نداشته و این کمی عجیب است. در هر حال کارگردان کوچه مروارید و مالک جناب‌خان که بنا به گفته‌هایش، این عروسک طی نزدیک به دوسال، در اتاق فکری به مدیریت او طراحی و اجرا و خلق شده، اعلام کرده که حضور جناب‌خان حتی در فصل سه خندوانه هم به خواست رامبد جوان و علیرغم میل باطنی او بوده و احساس می‌کند تداوم این حضور، به این کاراکتر لطمه می‌زند و به همین خاطر نمی‌خواهد اجازه دهد جناب‌خان بیش از این‌ها در خندوانه بماند. سالارزهی در گفت و گو با هفت صبح، به نکات جالبی اشاره کرده: «در حال حاضر من به عنوان مالک و صاحب‌امتیاز جناب‌خان، امانت‌دار دو گروه هستم؛ ابتدا خالقین جناب‌خان که طی این چند سال و بی‌ادعا برای موفقیت ما تلاش شبانه‌روزی داشته‌اند، دسته دوم امانت‌دار مردم. در حال حاضر، جناب‌خان در بین مردم محبوبیتی کم‌نظیر دارد و چنانچه به این کاراکتر آسیبی وارد شود، مردم هم متاثر خواهند شد. برنامه خندوانه تقریبا هر شب اجرا می‌شود و نگرانی درباره یکنواختی و بی‌خاصیت شدن جناب‌خان وجود دارد. البته که مسائل مالی هم بی‌تاثیر نیست و اگر امکان سازگاری بین اهداف کاری و مالی ما با تیم خندوانه و احترام متقابل به حقوق مادی و معنوی طرفین وجود داشته باشد، احتمال تداوم حضور جناب خان در این مجموعه می‌رود. اینکه جناب‌خان در فصل سه خندوانه، ضعیف و بی‌خلاقیت ظاهر شده یا همچنان محبوب و دوست‌داشتنی است؛ اینکه بیرون کشیدنِ جناب‌خان از این مجموعه، به نفع این کاراکتر و خندوانه هست یا خیر؛ اینکه هدف مالکِ این کاراکتر از حذفش، معنوی و از سر دلسوزی است یا به دلایل مادی و... هیچ‌کدام این حرف‌ها، برای مخاطبِ تلویزیونِ خالی و بی‌برنامه که از بین انگشت‌شمار آیتم‌های جذاب تلویزیون، به وجود و حضور جنابِ جناب‌خان در قالب خندوانه دلخوش است، مهم نیست. مهم این است که اگر جناب‌خان را هم از تلویزیون بگیرند، دیگر چه می‌ماند؟